

اقتصادها را داشته است حال آن که رشد سرانه GDP آن کمتر از آلمانی است که مانند ژاپن جمعیت آن در حال کاهش می‌باشد.

در مورد برخی کشورهای در حال توسعه نیز، وقتی به آنها از منظر رشد سرانه GDP نگریسته می‌شود همه چیز فرق می‌کند. برزیل که یکی از اقتصادهای چابک آمریکای لاتین است، از نظر رشد سرانه GDP با رقمی ۲/۳ درصدی، کمی سریع‌تر از اقتصاد ژاپن رشد داشته است. برعکس، روسیه که جمعیت آن بیش از هر کشور بزرگ دیگری با کاهش روبه‌رو است (۰/۵ درصد در سال) دارای رشد سرانه GDP برابر با ۷/۴ درصد می‌باشد. از سوی دیگر، هندی‌ها که به خاطر رشد اقتصادی بالای خود و نزدیک شدن آن به چین، به خود مباحثات کنند، رشد جمعیت بالایی دارند. به این ترتیب، رشد سرانه GDP هند با رقم ۶/۸ درصد نسبت به رقم ۱۰/۲ درصدی چین، کمتر است.

باید گفت، رشد اقتصادی دنیا در پنج سال گذشته به طور متوسط ۴/۵ درصد بوده که در ۳ دهه گذشته سابقه نداشته است. البته این رقم در مقایسه با دوران طلایی دهه ۱۹۶۰ که رشد اقتصادی جهان به ۵ درصد رسیده بود، اندکی پایین‌تر است. اما امروزه، جمعیت دنیا با سرعتی نصف دهه ۱۹۶۰ رشد می‌کند و به این ترتیب، نرخ رشد سرانه GDP دنیا هم‌اکنون بیش از هر زمان دیگر است.

### باز تعریف رکود

اگر قبول کنیم که بهترین راه برای بررسی سلامت اقتصاد یک کشور، بررسی رشد سرانه GDP است، پس باید تعریف و برداشت خود از رکود را نیز تغییر دهیم. رکود به معنی کاهش محصول ناخالص داخلی کشوری در یک مدت زمان معین - مثلاً دو فصل متوالی - است. ولی رشد GDP صفر درصدی در ژاپن به دلیل کاهش جمعیت این کشور باعث می‌شود تا مردم آن باز هم وضعیت بهتری پیدا کنند. اما در آمریکا، این وضعیت به معنای بدتر شدن وضعیت مردم است.

بنابراین، تعریف درست برای رکود، همان کاهش نرخ متوسط درآمد سرانه افراد است. بر این اساس، اقتصاد آمریکا از فصل چهارم سال گذشته تاکنون، در رکود به سر می‌برد، در حالی که این کشور در همین مدت دارای رشد اقتصادی ۰/۶ درصدی بوده ولی درآمد سرانه افراد ۰/۴ درصد کاهش یافته است. بسیاری از مردم آمریکا و به خصوص سیاست‌مدارانی که تنها هدفشان، به دست آوردن سلطه نظامی و اقتصادی بر جهان است، با بی‌اعتنایی از کنار این ارقام می‌گذرند. این به آن دلیل است که آنها تنها شاخص سلامت اقتصادی را نرخ رشد GDP می‌دانند.

از سوی دیگر، اتحادیه اروپا که کمتر علاقه‌ای به سلطه‌گری دارد، با کاهش ارزش دلار در برابر یورو منتظر است تا امسال، به عنوان بزرگترین اقتصاد دنیا مطرح شود - چیزی که خیلی هم دور از انتظار نیست. ■

اوصاف، هم‌اکنون صنایع خودروسازی آلمان به دلیل افزایش فشار رقابت از سوی کشورهای اروپای مرکزی، با بحران مواجه شده‌اند. در حال حاضر مونتاژکاران و تولیدکنندگان قطعات و تجهیزات، به سختی تلاش می‌کنند تا نیروی کار ارزان را حفظ و حتی المقدور آن را ارزان‌تر نیز بسازند، چراکه صاحبان صنایع خودروسازی، این موضوع را برای حفظ و توسعه مزیت نسبی در صنعت خودروسازی آلمان ضروری می‌دانند. ■

کارگران ماهر و باانگیزه که با ساعات کاری بلند اما انعطاف‌پذیر و حقوق و دستمزد پایین کار می‌کنند و این موضوع، هزینه نیروی کار را در صنایع خودروسازی آلمان کاهش داده است. پروسه و روند گرفتن مجوز تولید در این منطقه بسیار سریع و آسان است و همچنین، وجود زیرساخت‌های مربوط به حمل و نقل، ارتباطات و تسهیلات ارایه شده برای فعالیت‌های تحقیقاتی، این منطقه را برای سرمایه‌گذاران، بسیار جذاب و مناسب ساخته است. با تمام این

### تصویر متناقض شاخص‌ها

## تمام آمارهای اقتصادی واقعیت را نشان نمی‌دهند

وقتی از منظر سرانه تولید به دنیا نگاه می‌کنیم، واقعیت چیز دیگری است.

کاهش است. به این ترتیب، سرانه محصول ناخالص داخلی ژاپن در ۵ ساله منتهی به ۲۰۰۷ به طور متوسط سالانه ۲/۱ درصد رشد داشته، در حالی که این رقم برای آمریکا ۱/۹ درصد و برای آلمان تنها ۱/۴ درصد بوده است. به زبانی دیگر، بر خلاف تصور عموم، نرخ رشد متوسط درآمد مردم در ژاپن در بین سه کشور ثروتمند دنیا بیشتر بوده است. در کشورهای گروه ۷ (G7) نیز ژاپن بعد از انگلستان در مقام دوم قرار گرفته است.

بررسی رشد سرانه GDP به جای خود GDP تصویر واضح‌تری در مورد سلامت اقتصادی یک کشور به دست می‌دهد. به عنوان مثال، سیاست‌مداران استرالیایی، اغلب رشد بالای GDP خود در بین کشورهای توسعه یافته - به طور متوسط ۳/۳ درصد در پنج سال گذشته - را به رخ دیگران می‌کشند. این در حالی است که استرالیا، خود بیشترین میزان رشد جمعیت را داشته و در همین مدت، نرخ رشد سرانه GDP آن کمتر از ژاپن بوده است. اسپانیا نیز در بین کشورهای اروپایی، یکی از پُرشده‌ترین

کدام کشور دنیا در پنج سال گذشته، بهترین عملکرد اقتصادی را داشته است: آمریکا یا ژاپن؟ برای پاسخ به این سؤال، بسیاری از مردم، آمریکا را انتخاب می‌کنند.

برداشت عمومی مردم آن است که اقتصاد آمریکا (با وجود وقوع عنقریب بحران مالی و مسکن) هنوز هم با سرعت رو به جلو حرکت می‌کند و اقتصاد ژاپن هم با سرعتی لاک‌پشتی به جلو می‌رود.

درست است که متوسط نرخ رشد محصول ناخالص داخلی (GDP) آمریکا با رقم ۲/۹ درصد از ژاپن با رقم ۲/۱ درصدی، بیشتر است اما بهترین شاخص مقایسه دو اقتصاد، نه سرعت رشد GDP که سرعت رشد سرانه محصول ناخالص داخلی است.

رشد اقتصادی آمریکا با توجه به نرخ رشد جمعیت بالای آن (۱ درصد) که به مدد نرخ بالای زاد و ولد و مهاجرت صورت می‌گیرد، بیش از ژاپن است. این در حالی است که از سال ۲۰۰۵ به بعد، جمعیت ژاپن در حال

